

فردوسی شاعر جهان

بنام آقای سعیدی

مردان بزرگ کسانی اند که در بیرون از دیار خویش نیز معروف باشند . البته جای گرفتن در دل‌های مردم دیار کار به یار دشواریست . سعدی و حافظ از زمانی که زخت از این سرای بر بسته اند مجلس شادی و بزمگاه سرور و راه‌شی نیست که در آن جای نداشته باشند . ولی شاعر هر چه بکوشد باز چون بزبانی سخن می راند که عده معدود از آن بهره می برند و لطایف آن چون بزبان دیگر رود اگر نابود نشود از زیبایی آن کسته می گردد جهانگیر نمی شود و در خانه خویش می ماند . در میان سرایندگان که از دوده آدمی پدید آمده اند دوسه تنی بیشتر نیستند که سزاوار عنوان شاعر جهان باشند ، یعنی در هر دیار دل مردم را بدست آورند و بهر زبان که گفتار ایشان ترجمه شود از لطف خویش نگاهد . از میان شعرای ایران این مقام خاص فردوسی و خیام است . خیام نیز جای فردوسی را تواند گرفت زیرا که شاعر خواص هر امتی است و تنها گروهی از متفکرین که با افکار حکیمانانه خوی گرفته‌اند از سخن وی لذت می برند ، بی قیدی وی نسبت به عالم هستی و بیم و هراس وی از عالم نیستی و آن ناله‌های جانسوز که در برابر مرگ رانده و سرود های شادی که برای بهره‌برداری ازین جهان گفته است هم خاص یک‌عده مردمی است که بزبان وی آشنا باشند . اما فردوسی شاعر همه کس و همه جا است . هم در رزم جای دارد ، هم در بزم هم به عالم اخلاق است و هم به امور رذایل و پستی های آدمی . هم متفکر صاحب اندیشه و اندرز گوی خردمند است و هم داستان سرای فرح انگیز اندوه زدای . هم سخن برای پیران دارد و هم برای جوانان ، هم با مرد ده‌سازست و هم با زن ، هم با دانا

همداستان می شود وهم بانادان ، هم یار توانگروانست وهم دمساز تهنی داستان ، هم ندیم نیک بختانست وهم همزانوی تیره بختان . شاهنامه او دریای بی کوانیست که هر که در آن فرورود تهنی دست بر نمی گردد . وطن پرستی ، عشق بی شایبه و آرایش ، وظایف شوهری و پدری ، ستایش از عدل و نکوهش از ستم ، جوانمردی و فداکاری ، بخشندگی و رقت و رحم ، پایداری در برابر ستمهای دوان و تسلط بیگانگان ، جان فشانی در راه دیار و عقیده و وظیفه ، بیزاری از خوبیهای بدو زشتیها ، دلیر کردن در راه دانش و خرد ، هر چه برای فرزند آدمی در راه بزرگی و بزرگواری لازمست در گفتار اوست . هر بیتی از او را حکمتی و هرورقی از او کتابی است . کیست که بتواند دعوی کند که این شصت هزار بیت را لااقل یکبار بدقت خوانده و تمام حکم و معارف و اندرز های آنرا در ذهن خود سپرده است . اگر چنین کسی باشد شکنی نیست که قهراً در اثر سحر سخنان فریبنده او بزرگترین مردان جهان شده است . در دیار ما کوی و برزنی و شهر و دهی و دشت و کوهساری و بحر و ببری نیست که نام فردوسی در آن نباشد . از کاخ شهریاران تا کلبه روستائیان همه جا جای اوست . از ایران که بیرون رویم در هر دیاری نیز جای دارد . او را در شمار بزرگترین گویندگان جهان می آورند . در برابر هم و ویرژیل و دانته و گوته و شیار و پوشکین و بایرون و هوگو جای دارد و بلکه از بعضی از ایشان بزرگترست . در هر دیاری که راه یافته از آن پس همواره بزرگان آن دیار بوی نظر داشته اند . از زمانی که کتاب جاویدان وی بزبانهای اروپائی ترجمه شده در آثار هر شاعر بزرگی بگردید نفوذ سخن وی رامی یابید . همواره منتهای آرزوی شاعران بزرگ ایران این بوده است که بمقام وی برسند . کتاب او انجیل و تورات و زبور ملت ایران است . بلکه از آن هم بالاتر : مزامیر تمام ملل آریاست و تمام کوشش های پیاپی که ملل هند و اروپائی در برابر هجومهای وحشیان بیگانه کرده اند در میان سخن او جاویدان مانده است . برای ملت ایران زند و اوستای دیگرست که همواره بدان برجهانیان خواهد نازید . بزرگترین پهلوان او رستم مظهر بزرگترین خصال آدمی است : وطن پرست ، پدر مهربان ، شوی باوفا ، خدمت گزار و وظیفه شناس ، در برابر ستم و خیانت دلیر

وی هر اس، در برابر دوستی و خصال خوب زبون و فرمانبردار، نسبت بزیر دست مهربان و فروتن و نسبت بزبردستان مغرور و زورمند است. این رستم مظهر فکر و اندیشه اوست. فردوسی در آرایش سپاه و لشکر کشی چون فرماندهان میدان جنگ از فنون جنگی آگاه بوده، در قلمرو حکمت و اخلاق چون حکیمی فرزانه است، در اوصاف طبیعت و شاعری صنعتگر. زبردستی است که کسی پهای وی نرسیده، در پارسائی و پاکدامنی فرشته ایست که در آسمانها جای دارد، در احساسات بشری شراره فرزانگی است که تابوده است خاموش نشسته، در سخن پردازی صاحب اعجاز و کرامت است، در دانستن تاریخ و معارف و آداب دیار خویش دانشمند کاملی است که مجال شک بکسی نمی دهد. در هرفنی تمام و در هر چیزی بزرگ بوده است. محال است که دیگر مادری چون وی پسری زاید و اگر هزار سال دیگر برین کشور بگذرد باز از چون وی کسی عقیم خواهد ماند.

صد و پنجاه سال پیش یعنی در اواخر قرن هجدهم میلادی که آوازه ادبیات ایران باروبا رسید و نخستین کتابها را در معرفی شعرای دیار ما بزبانهای اروپائی نوشتند در همان قدم نخستین فردوسی در میان مردم اروپا معروف شد و اینک يك قرن و نیم است در تمام اروپا بر همان کرسی که شعرای بزرگ جهان نشسته اند در پهاوی ایشان نشسته است. نخستین کتاب مستقلی که در شناسائی وی چاپ شد ترجمه منتخبی از اشعار وی بود که بزبان انگلیسی بتوسط ژوزف شاه پیون Joseph champion در سال ۱۷۸۸ در لندن انتشار یافت و در همان سال لانگاس L.M. Langles در پاریس کتابی شامل آراء حکم ایران و عرب با خلاصه ای از شاهنامه منتشر ساخت. از آن پس تا کنون هفتاد و چند کتاب مستقل یا در احوال فردوسی یا ترجمه شاهنامه و یا ترجمه منتخبات و داستانهای مستقل آن انتشار یافته است و یا اینکه متن شاهنامه را چاپ کرده اند. پنج چاپ مختلف از متن فارسی شاهنامه در اروپا انتشار یافته که نخستین آنها در سال ۱۸۱۸ منتشر شده است.

در کتابهای عمومی که در تاریخ ادبیات ایران نوشته شده است فصول متعدد در باب فردوسی جای داده اند و در مجلات اروپا مقالات بسیار در احوال و آثار

وی انتشار یافته که احصاء آنها رساله ای جداگانه را درخورست. مترجمین معروف که یا تمام شاهنامه و یا منتخباتی از آنرا بزبانهای اروپا ترجمه کرده اند بسیارند و محققین و مستشرقین بسیار معروف در تحقیق آثار این شاعر بزرگ ایران رساله ها و مقالات بسیار پرداخته اند.

اسامی مترجمین شاهنامه یا منتخبات آن بزبانهای اروپائی بر حسب قدمت بدین قرار است: هاگمان G. E. Hageman بلاتینی در ۱۸۰۱، والنبورگ R. de Walenbourg اطریشی بزبان فرانسه که هنوز ترجمه وی انتشار نیافته. جایمز آتکین سن James Atkinson بانگلیسی در ۱۸۱۴، استفان وستن Stephan Veston بانگلیسی در ۱۸۱۵، گورس C. Gorres آلمانی در ۱۸۲۰، توله رابرتسن W. Tulloh Roberston بانگلیسی در ۱۸۳۱، ولرس J. A. Vullers آلمانی بلاتینی در ۱۸۳۳؛ فردریش روکرت Frederich Ruckert آلمانی در ۱۸۳۷، ژول مول Jules Mohl بفرانسه در ۱۸۳۸؛ هالیستن Halisten آلمانی بلاتینی در ۱۸۳۹، ویس فن استار کنفاس Weiss Von Estarkenfels آلمانی در ۱۸۴۰، فن شاک von Chack آلمانی در ۱۸۵۱، هلن زیمرن Hellen Zimmern بانگلیسی در ۱۸۸۲، پیتزی Pizzi ایتالیائی در ۱۸۸۸، ساکالف Sokoloff بروسی در ۱۹۰۵. آرتور ژرژ وارنر Arthur George Varner وادمون وارنر Edmond Warner بانگلیسی در ۱۹۰۵، ویا موت بکستون Wilnot Buxton بانگلیسی در ۱۹۰۷، آلکساندر راجرز Alexander Rogers بانگلیسی در ۱۹۰۷، ویلیام استیگانند William Stigand بانگلیسی در ۱۹۰۷، والاس گاندی Wallace Gaudy بانگلیسی در ۱۹۱۲، اسیگمان Essigmann آلمانی در ۱۹۱۹، ژرژ لچنیسکی George L. Leszczinski لهستانی آلمانی در ۱۹۲۰، ورنر یانسن Werner Yansen آلمانی در ۱۹۲۲، رادو آنتال Rado Antal بزبان مجارستانی، آرتور کریستن سن Arthur Christensen بدانمارک در ۱۹۳۱، آکسل اریک هرملین Axel Eric Hermelin بسوئدی در ۱۹۳۱، ژوزف اوربای Joseph Orbely بروسی در ۱۹۳۴.

از طرف دیگر تحقیقات معروف مستشرقین بزرگ در باب فردوسی و آثار او بمنتهی درجه اهمیت است مانند تحقیقات هرمان اته Hermann Ethé مستشرق مشهور آلمان در باب

یوسف وزلیخای فردوسی و تحقیقات ادوارد براون Edward G. Browne در تاریخ ادبیات ایران و تحقیقات پتیزی مستشرق شهیر ایتالیائی و شلختا و سهرد Schlechta Wssehrd اطریشی در ضمن مقالات متعدد و پول هرن Paul Horn آلمانی در ضمن مقالات دیگر و معروفتر از همه تحقیقات تئودور نوید که Theodor Nöldeke مستشرق شهیر آلمانیست بعنوان «حماسه ملی ایران» که ترجمه فارسی آن بزودی انتشار خواهد یافت .

از زمانیکه ترجمه آثار فردوسی در اروپا انتشار یافت توجه بزرگترین شعرای قرن نوزدهم اروپا را بخود جلب کرد و مخصوصاً داستان رستم و سهراب وی چنان جالب نظر گشت که مورد پسند عامه مردم اروپا واقع شد و بسیاری از سرایندگان فرنگستان بتقلید یا نظم کردن آن پرداختند ! از آن جمله دو شاعر بزرگ یکی ماتیو آرنلد Matthieu Arnold انگلیسی متولد در ۱۸۲۲ و متوفی در ۱۸۸۸ و دیگر واسیلی آندریویچ ژوکوفسکی Vassili Andrie vitch Joukovsky متولد در ۱۷۸۳ و متوفی در ۱۸۵۲ شاعر مشهور روسی است که هر دو داستان رستم و سهراب را در کمال شیوائی بزبان خود نظم کرده اند و هر یک در عالم خود شاهکاری است . گوته Goethe بزرگترین شاعر آلمان در کتابی که با اسم «دیوان شرق و غرب» دارد کرازا نفوذ فردوسی را در اشعار خویش آشکار میسازد و جای آن دارد که با دقت تمام فیاسی در میان اشعار وی و سخنان فردوسی بکنند . ویکتور هوگو Victor Hugo بزرگترین شاعر قرن نوزدهم فرانسه هم در کتاب «Oriental» «شرقیات» مانند گوته در بسیاری از جاها در اثر نفوذ فردوسی بوده است و درین باب نیز باید مطالعه دقیق کرد . هانری هاینه Henri Heine شاعر بسیار مشهور آلمان منظومه ای دارد در منتهای شیوائی که در آن داستان محروم ماندن فردوسی را از صلات محمود غزنوی و مردن وی در تنگدستی و رسیدن کاروان صلات محمود ازین دروازه طوس هنگامی که جنازه این مرد بزرگ را از دروازه دیگر بیرون می بردند در نهایت فصاحت نظم کرده است .

بالجمله فردوسی شاعر ایران نیست ، بلکه شاعر جهانست و نه تنها در دیار خویش در هر دلی جای دارد بلکه در سراسر گیتی مشهورست و هر جا که نام يك دوتن سراینده بزرگ را می برند ویرا با ایشان توأم می کنند .